

دستور زبان

اخیراً با پسوند «مان» کلماتی می‌سازند، مثل «گفتمان» و «چیدمان». یکی از فضلا می‌گفت در کلمه «آپارتمان» هم پسوند «مان» به دنبال «آپارت» آمده است. بر همین منوال می‌توان این کلمات را هم ساخت: خفتمان، کوفتمان، دوختمان، سوختمان و غیره. ما فکر می‌کنیم منشأ همه اینها کلمه‌ای است که عوام بر وزن «چیدمان» به کار می‌برند.

گفتمان

این روزها بعضی‌ها به جای «گفتمان» مشغول «رفتمان» اند، یعنی به جای گفت و گو با هم، در حال حذف یکدیگرند.

مجسمه

یک نفر در حین سخنرانی هی دست‌ها و سر و گردنش را تکان می‌داد.

پرسیدند: «چرا هی می‌جنبی؟»

گفت: «می‌ترسم فکر کنند مجسمه‌ام، بیایند خرد و خاکشیرم کنند.»

افتخار

چند روز پیش، یکی از آشنایان از شهرستان به ما تلفن زد و گفت: «ما می‌خواهیم دماغ دخترمان را عمل کنیم، چون یک خرده از کادر بیرون زده، می‌خواستیم دکتر خوبی پیدا کنیم که طرف قرارداد اداره‌مان هم باشد، ضمناً پولش را هم اداره بدهد. خیلی‌ها بودند که ما می‌توانستیم به آنها مراجعه کنیم، اما ترجیح دادیم شما این کار را برایمان انجام بدهید، چون شما آدم قابل اعتماد و خوبی هستید.»

این روزها از این افتخارات خیلی نصیب آدم می‌شود، مثلاً می‌بینی... (ترسیدیم به بعضی‌ها بر بخورد، مطلب را ادامه ندادیم).

آثار الباقیه

در جلسه‌ای سخنران برای تشویق حاضران می‌گفت:

— هرکسی باید منشأ اثری باشد و از خود یادگاری به جا بگذارد. حتی وقتی زنگ در خانه‌ای را فشار می‌دهید، کنارش خط کوچکی بکشید. دفعه بعد که آن خط را دیدید، می‌فهمید شما هم منشأ اثری بوده‌اید.

با این حساب، بچه‌های همسایه ما همه منشأ اثرند. چون با میخ و سیخ و چیزهای مشابه آنها روی در و دیوار و کاپوت ماشین و دیواره آسانسور خط می‌کشند و عمیقاً تأثیر گذارند. بعضی‌ها هم در انتظار عمومی، آثار الباقیه‌ای دارند که باید گفت خیرسرشان!

روزنه امید

رئیس سازمان زندان‌ها گفته است در سال گذشته یک تن مواد مخدر به شکل بلعیدن در کشور جا به جا شده است.

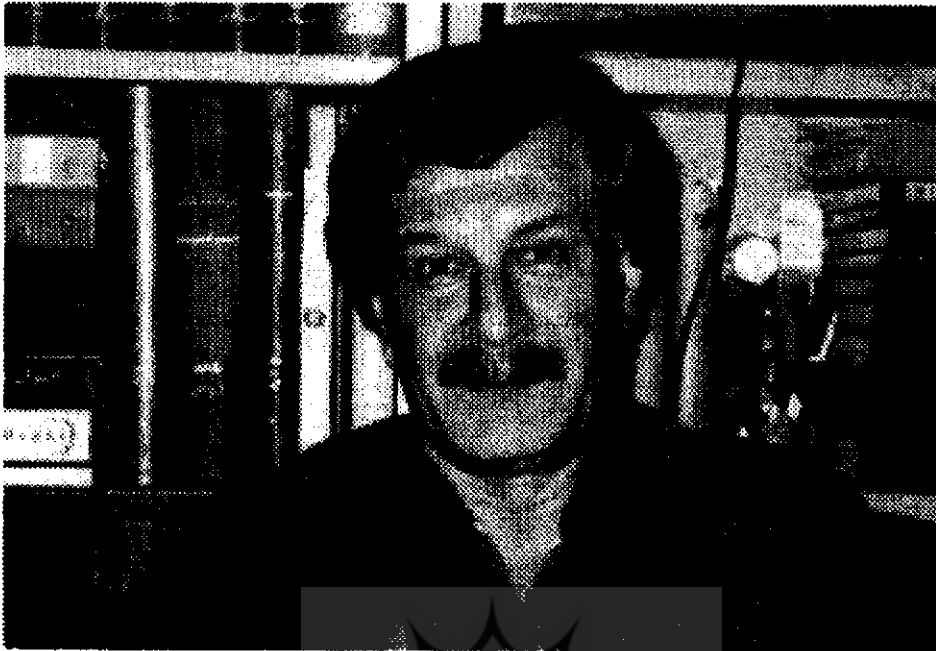
ملاحظه بفرمایید روزنه امید معتادان به کجا منتقل شده است.

تخفیف

در خانه ما دیگر جا برای کتاب نیست. هر جا که نگاه می‌کنید، کتاب است. در حال و اطاق پذیرایی، در اطاق خواب، در آشپزخانه در توالت و حتی در حمام.

ستاد فرماندهی خانه به ما اخطار داده است که دیگر حق نداری کتاب وارد خانه کنی، چون برای ما محیط زیست نگذاشته‌ای.

به همین دلیل ما وقتی چند جلد کتاب می‌خریم، سعی می‌کنیم در صندوق عقب ماشین



● عمران صلاحی (عکس از علی دهباشی)

۱۶۲

قایم کنیم و یکی یکی به خانه ببریم. وقتی هم می خواهیم به خانه ببریم، لای روزنامه می گذاریم که اهل بیت نبینند. گاهی هم بیست در صد به خودمان تخفیف می دهیم که خانواده جوش نیاورد.

خوانندگان خوب

خوبی خوانندگان این است که مطالب خوب آدم یادشان می ماند و مطالب بد را فراموش می کنند!

می گویند پشت سر مرده نباید حرف زد. اما روزنامه ای پشت سر شخصی که چند سال است مرده، بدگویی می کند. این نشان می دهد که آن شخص هنوز زنده است.

خواب

سابقاً وقتی می خوابیدند، خواب هفت پادشاه را می دیدند، اما حالا خواب هفت رئیس جمهور را.

مکالمه

از مکالمه تلفنی راقم این سطور با یکی از هموطنان:

— فردا صبح مزاحمتان می شوم.

— چه ساعتی مزاحم می شوید!؟

ابراز همدردی

یکی از روزنامه‌های عصر تهران این خبر فرهنگی هنری را چاپ کرده بود:
فرهنگسرای... به منظور ابراز همدردی با سیل زدگان استان گلستان، اقدام به برگزاری نمایش
شاد و موزیکال «مشهدی عباد» از تاریخ دوم شهریور ماه نموده است.

۸۱/۶/۱۱

انتشارات وژده آرا منتشر کرده است:

- ۱— زندگی ایرانیان در کانادا/ دکتر بیوک محمدی
 - ۲— تاریخچه احزاب و حزب دموکرات ایران/ صفر زمانی
 - ۳— راه‌آبادی (۲ جلد)/ مختار عیوض اف/ نازلی اصغرزاده
 - ۴— فرهنگ اشتباهات رایج در میان مردم جهان/ والتر کرمو و گوترتز
نکله/ مسعود میرجوهری و بازآفرینی بهزاد هنری
 - ۵— در جستجوی امپراتور/ روبرتو پازی/ سوسن افشار
 - ۶— امام علی در کتب اهل سنت/ آیت‌الله سیدمحمد باقر
موسوی همدانی
 - ۷— روزهای کاتالونیا/ دکتر میرجلال‌الدین کزازی
 - ۸— علی کیش پارسایان و اوصاف منافقان/ احمد رضا کشوری
 - ۹— عاشقانه در خانه/ فرزانه موسوی کیا بیان
- تهران — خیابان شهید مطهری — خیابان میرعماد — کوچه سیزدهم — پلاک ۲۴

تلفن: ۸۵۰۱۴۸۵ — ۸۷۵۸۷۴۳